

ژئوپلیتیک هویت اروپا

مرزها، مرکزها و حاشیه‌ها

مؤلف و گردآورنده :

نوئل پارکر

(اننشیار دانشگاه کپنهاگ)

ترجمه :

دکتر حیدر لطفی

(دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار)

دکتر افشین متقی

(دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی)

دکتر ازییر بلوچ

(مدرس دانشگاه بین‌المللی چابهار و مرکز علمی کاربردی منطقه آزاد چابهار)



نشر فرهنگ مشرق زمین

انتشارات فرهنگ مشرق زمین

۱۳۹۷

عنوان و نام پدیدآور: سیاست و فضا در اروپا: ژئوپلیتیک مرز، مرکز و پیرامون/ سرویراستار نوئل پارکر؛ مترجمان ازیر بلوچ، افشین متقی، حیدر لطفی.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ مشرق زمین، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهر: ۲۵۲ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۳-۱۶-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی: The geopolitics of Europe's identity : centers, boundaries and margins, ۲۰۰۸.

یادداشت: کتابنا.

موضوع: مرز -- کشورهای عضو اتحادیه اروپا -- نمونه پژوهی

موضوع: Boundaries -- European Union countries -- Case studies

موضوع: سیاست جغرافیایی -- اروپا -- نمونه پژوهی

موضوع: Geopolitics -- Europe -- Case studies

موضوع: کناره‌گزینی اجتماعی -- اروپا -- نمونه پژوهی

موضوع: Marginality, Social -- Europe -- Case studies

موضوع: کشورهای عضو اتحادیه اروپا -- روابط خارجی -- نمونه پژوهی

موضوع: European Union countries -- Foreign relations -- Case studies

شناسه افزوده: پارکر، نوئل، ۱۹۴۵ - م.

شناسه افزوده: Parker, Noel

شناسه افزوده: بلوچ، ازیر، ۱۳۵۸ - مترجم

شناسه افزوده: متقی‌دستنبانی، افشین، ۱۳۶۲ - مترجم

شناسه افزوده: لطفی، حیدر، ۱۳۴۸ - مترجم

رده بندی کنگره: JLC ۱۳۹۷۳۱۹/س۹

رده بندی دیویی: ۴۰۰/۱۳۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۶۲۳۶۵



نشر فرهنگ مشرق زمین

نام کتاب: سیاست و فرهنگ در اروپا

سرپرستار: نوئل پارکر

مترجمان: ازیر بلوچ؛ افشین متقی؛ حیدر اطی

مسئول فنی و چاپ: کامل کریمی راد

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۳-۱۶-۵

چاپ اول: ۱۳۹۷

قطع: وزیری

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق مادی و معنوی با اجازه مؤلف است.

تهران، فرهنگ مشرق زمین، تلفکس: ۲۲۰۰۶۹۷۶ ایمیل: pmzamin@gmail.com

فهرست

۳	پیشگفتار مترجمان فارسی
۵	پیشگفتار گردآورنده انگلیسی

بخش نخست: ماهیت سازه‌های پیرامونی

۸	۱. بنیادهای نظری: فضا، مرکز و حاشیه‌ها
۲۶	۲. بی‌اعتباری مرز در اندیشه‌ی ماسی مدرنیته‌ی متأخر
۴۳	۳. بررسی تاریخی قدرت و پیرامون در نظام بین‌الملل

بخش دوم: پیرامون اروپا

۶۲	۴. بهره‌کشی از پیرامون: مورد روسیه
۷۷	۵. رویارویی در پیرامون‌ها: روابط مرزی اتحادیه‌ی اروپا و روسیه در گفتمان روسیه
۹۱	۶. مقایسه‌ی استراتژی پیرامونی در دانمارک و بریتانیا
۱۰۳	۷. اروپا و ایالات متحده: شکست‌ها و کامیابی‌ها
۱۱۶	۸. جبل الطارق، اورشلیم و کالینینگراد: ترکیب حاشیه و پیرامون
۱۳۱	۹. تصویرسازی از اروپا: حاشیه‌ی جنوبی اروپا کجا قرار گرفته است؟
۱۴۴	۱۰. ژئوپلیتیک اروپای مرکزی
۱۵۹	۱۱. مرزسازی در حاشیه‌ی جنوب شرق اروپا: گفتمان بالکان/اروپا در کرواسی و اسلوونی
۱۶۹	۱۲. هندسه‌های متغیر: نهادها، قدرت‌ها و ایده‌ها در اروپایی شدن ترکیه
۱۸۳	۱۳. جمع‌بندی: تعامل اروپا با مناطق پیرامونی‌اش

رابطه‌ی هر واحد سیاسی-فضایی با نواحی و مناطق پیرامونی خود، یکی از شاخص‌های مهم در مدیریت سیاسی فضا به‌شمار می‌آید. مصداق عینی واحدهای سیاسی-فضایی در نظام بین الملل را «کشورها» تشکیل می‌دهند. هر کشوری به فراخور موقعیت و وضعیت جغرافیایی-سیاسی خود با مجموعه‌ای از «پیرامون‌ها» در ارتباط است که از آن میان، می‌توان به پیرامون‌هایی همچون «مرز و قومیت» در مقیاس ملی و دوگانه‌ی مداوم «مرکز-پیرامون» در مقیاس فروملی اشاره کرد. مفهوم پیرامون یا حاشیه در تقابل با مفهوم مرکز، مجموعه‌ای از مصداق عینی پویا و زمان‌مند را شکل می‌دهد که مختصات جغرافیایی آن، تنوع شگفت‌انگیزی دارد. برای نمونه، اگر کلانشهر تهران را به عنوان «مصادیق» از مفهوم «مرکز» در نظر بگیریم، آنگاه شهرهایی همچون شهرری و شمیرانات به‌عنوان «پیرامون‌ها» این مرکز به‌شمار می‌آیند. از دیگر سو، کلانشهر تهران درون خود نیز به مرکزها و پیرامون‌های بی‌شماری تبدیل می‌شود؛ مرکز توسعه‌یافته در مقابل پیرامون یا حاشیه‌ی توسعه‌نیافته، مرکز شهر در مقابل پیرامون یا حاشیه‌ی شهر، مرکز اعیان‌نشین در مقابل حاشیه‌ی زاغه‌نشین، مرکز فرهنگی (مانند ناحیه‌ی میدان انقلاب به واسطه‌ی فراوانی کتابخانه‌ی علمی) در مقابل حاشیه‌ی غیرفرهنگی. بنابراین، مصداق پویا و متعدد دوگانه‌ی «مرکز و پیرامون» آنرا به یکی از مباحث مهم در ژئوپلیتیک و مطالعات منطقه‌ای تبدیل کرده است؛ به‌ویژه اگر این دو مفهوم در ارتباط با «مداخله‌های مدیریتی و سازماندهی سیاسی فضا مطرح شوند، آنگاه اهمیت مصداق آنان از نظرگاه علمی افزوده می‌شود.

کتابی که فراوری خوانندگان قرار دارد، از جمله آثار پژوهش‌هایی است که به بررسی مبسوط و موردی دو مفهوم مرکز و پیرامون از نظرگاه ژئوپلیتیکی-جغرافیای سیاسی می‌پردازد. کتاب حاضر که منبع مهم و دست اول در زمینه‌ی «مطالعات اروپا» به‌شمار می‌آید، با استوار کردن «هیم مرکز-پیرامون بر بنیادهای فلسفی و نظری، کوشیده است تا مصداق مرکز و پیرامون در اروپا را شناسایی و تعریف کند. بر همین روی، این کتاب با تجمیع نظریاتی چون «تحلیل انتقادی گفتمان»^۱، «فرکلاف»، «زنجیره‌های حاکم»^۲، «لاکلاو و موفه»، «فطرت‌گرایی»^۳، «ژیل دولوز و قدرت و فضا»^۴، «فوکو»، به نظریه‌ی منسجمی با عنوان «نظریه‌ی پیرامون/حاشیه‌ی مثبت»^۴ دست یافته است؛ به‌گونه‌ای که مناطق و نواحی پیرامونی بر پایه‌ی این نظریه، به بازیگرانی فاعلی و برکنار و مهم تبدیل می‌شوند. چنین رهیافتی به‌منظور اهمیت دادن به «اقلیت‌ها»، «مناطق مرزی»، «شهران مرزی»، «قومیت‌های مرزنشین»، «حاشیه‌نشینان شهری/کشوری» و «کشورهای پیرامونی» (در تقابل با کشورهای مرکزی یا هسته) برپا شده است. همچنانکه مطالعات موردی این کتاب نیز نشان می‌دهد، تصویر اروپا به‌مثابه‌ی یک کل مرکزی اشتباه است؛ بلکه اروپا به‌مثابه‌ی یک هویت فضایی-سیاسی در نظام بین الملل، برآمده و تاثیر پذیرفته از مجموعه‌ای از «پیرامون‌های مختلف» است. چنین برداشتی، سبب می‌شود تا ذهنیت سلطه‌ی اروپا به‌مثابه‌ی فرهنگ، سیاست و اقتصاد برتر (مرکزی) تخریب شود و مناطق پیرامونی آن از اهمیت و اعتبار برخوردار شوند.

^۱- Critical Discourse Analysis

^۲- Chains of Equivalence

^۳- Immanenism

^۴- Positive Marigality

بررسی موردی واحدهای سیاسی-فضایی پیرامونی در اروپا از دریچه‌ی نظریات جدید فلسفی با بن‌مایه‌ی ژئوپلیتیکی و نیز گشودن چشم‌اندازی متفاوت به دو مفهوم «مرکز و پیرامون» از جمله نکات قابل توجه در این کتاب به‌شمار می‌آید.

درباره‌ی ترجمه‌ی فارسی اثر حاضر، تذکار چند نکته در راستای آسان‌سازی دریافت‌های علمی خوانندگان ضروری می‌نماید؛

- ۱- در این کتاب، دو واژه‌ی Margin و Periphery و مشتقات آن، به یک معنا به‌کار رفته است و در سراسر متن می‌توان هر دو را به «پیرامون/حاشیه» ترجمه کرد. در برخی موارد، از آنجا که دوگانه‌ی «مرکز-پیرامون» در زبان فارسی بیشتر متداول است، به جای Center-Margin مشخصاً از عبارت «مرکز-پیرامون» استفاده شده است. اما در موارد دیگر، واژه‌ی Margin هم با معادل «حاشیه» و هم «پیرامون» و گاهی نیز با معادل «حاشیه/پیرامون» به‌کار رفته است.
- ۲- دو اصطلاح Peripherality و Marginality به‌عنوان اسم ساخته شده از صفت، اشاره به وضعیت یا حالتی است که در آن، یک چیز در حاشیه قرار گرفته است. به سخن دیگر، به وضعیت حاشیه‌نشین یا در حاشیه قرار گرفتن مکان‌ها/انسان‌ها اطلاق می‌شود. در ترجمه‌ی فارسی، اغلب از واژه‌ی «پیرامون‌بودگی» (به معنای در پیرامون بودن) برای دو اصطلاح یاد شده استفاده شده است. در مواردی نیز برای اجتناب از سنگینی متن از معادل «وضعیت پیرامونی» و «در پیرامون بودن/قرار گرفتن» استفاده شده است.
- ۳- با توجه به بار جغرافیایی و سیاسی واژه‌ی State و بنابر توافق ضمنی جغرافی‌دانان سیاسی در ایران، از معادل «کشور» در ترجمه استفاده شده است. مشتق‌های همچون Nation-State نیز به «ملت-کشور» (ملتی که یک کشور تشکیل داده‌اند) ترجمه شده است. تنها در یک مورد و آن‌هم در ترکیب City-State، از اصطلاح «دولت‌شهر» استفاده شده است. چراکه اساساً معتقدیم معادل انگلیسی City-State به‌جای Polic یونانی، اشتباه است.

حیدر لطفی (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، زیرگرمسار)
افشین متقی (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی)
ازیر بلوچ (مدرس دانشگاه بین‌المللی جابهار و مرکز علمی کاربردی منطقه آزاد جابهار)

پیشگفتار گردآورنده

نوئل پارکر^۱

بارقه‌ی اولیه‌ی این کتاب در همایشی در دانشگاه کپنهاگ^۲ در نوامبر ۲۰۰۴ فروزان شد. در این همایش، برنامه‌ای با نام «گردهمایی هیئت‌های اروپا»^۳ با حمایت مالی کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا برگزار شد. هدف اصلی این برنامه، بررسی چگونگی مدیریت مرزهای پرتش درون و پیرامون قلمرو اروپا توسط اتحادیه‌ی اروپا بود. شماری از شرکت‌کنندگان این همایش که در تهیه‌ی این کتاب نیز یاری رسانده‌اند، را دار این ایده بودند که مجموعه‌ای از مناطق «پیرامونی» در اروپا وجود دارد که با یکدیگر و با هویت اروپایی، عنوان «بازیکر بین‌المللی، یک نظام حکومتی و یک کلیت فرهنگی در تعامل است. به عبارت دیگر، منظور این بود که هویت ژئوپلیتیکی اروپا^۴ در تعامل با مجموعه‌ای از نواحی و مناطق پیرامونی خود شکل گرفته است. این ایده، اساس کار ما برای تنظیم این کتاب به‌شمار می‌آید. مباحث مطرح شده در این گردآوری، مدّای نسبتاً کوتاه‌نگارنده متمرکز بود که در سال ۲۰۰۰ به چاپ رسید. مقاله‌ی مذکور خلاصه‌ای از به‌طور بزرگتر بود و باید با گذار زمان ریزه‌کاری‌های آن تکمیل می‌شد: نخست باید با مجموعه‌ی «سراسر» نویسندگان به یک توافق نظری درباره‌ی مباحث دست می‌یافتیم و مجموعه‌ی نظریات مختلف را یک‌کاسه‌ی کردیم تا نگاهی دقیق و عمیق به مسئله‌ی «پیرامون‌بودگی»^۵ به‌دست آوریم. با به‌دست آمدن توافق نظری، این کتاب توانست توضیحات کامل و تا حدی آزمایش شده از پیرامون، وضعیت مناطق پیرامونی و هویت ژئوپلیتیکی اروپا را ارائه دهد. فرضیه‌ی بنیادی ما این است که «مناطق پیرامونی به‌عنوان عواملی بیسته را به هویت‌های اجتماعی-سیاسی نقش بازی می‌کنند».

کتاب پیش رو، ویژگی‌ها و ماهیت مناطق پیرامونی و تعامل آن با مرکز (اروپا) را بررسی کرده و جابه‌جایی و تحولات پیرامون‌ها (مناطق پیرامونی) را در مقیاس اروپا مورد آزمون قرار داده است. بر این گفته، عقیده‌ی راسخ داریم که با درک مناطق پیرامونی اروپا و روابط آن‌ها، نکات و مباحث تازه‌ای

^۱ - Noel Parker؛ دانشیار اندیشه‌ی سیاسی و تاریخ فکر، دانشگاه کپنهاگ، دانمارک

^۲ - ریخت نوشتاری این واژه در انگلیسی، Copenhagen است که به دو صورت «کپنهاگن» و «کپن‌هگن» تلفظ می‌شود. در فارسی، تحت تاثیر زبان فرانسوی، این واژه به صورت «کپنهاگ» نوشته و خوانده می‌شود (املا‌ی فرانسوی کپنهاگ، به صورت Copenhagen است).

^۳ - Euro.Bord.Conf

^۴ - Europe's Geopolitical Identity

^۵ - Marginality

برای مطالعه و کاوش علمی پدید خواهد آمد. این کتاب شماری از پرسش‌های بنیادی را مطرح می‌کند که بنیاد پژوهش درباره‌ی «مناطق پیرامونی» را شکل می‌دهد: چه تعاملاتی میان اروپا و پیرامون‌هایش رخ می‌دهد و اثرات این تعامل چیست؟ بازیگران پیرامونی به‌عنوان عوامل حاشیه‌ای چه اقداماتی را انجام می‌دهند؟ چه شرایطی، میزان دستیابی بازیگران پیرامونی به اهدافشان را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ هویت‌های مرکزی اروپا و مناطق پیرامونی آن، چگونه با هم تعامل دارند و تغییرات ژئوپلیتیکی هویت‌های مرکزی-پیرامونی اروپا چیست؟

اگر نگاهی به مطالب کتاب بیاندازید، یک بدعت را با شگفتی متوجه خواهید شد و آن هم قرار دادن «روسیه» و «آمریکا» به‌عنوان «مناطق پیرامونی» اروپا است. پیرامون به‌شمار آوردن روسیه و ایالات متحده‌ی آمریکا، چه بسا در نظر برخی پذیرفتنی نباشد. برای توجیه این بدعت، نخست باید گفت که از نظر تاریخی، روسیه و آمریکا در برهه‌های طولانی‌تری از تاریخ، همواره پیرامون وابسته به مرکز اروپا به‌شمار می‌آید. مانند مطالعاتی که پس از دوران استعمار صورت گرفت، با نشانه گرفتن «مرکزیت اروپا» در پی برداشتن و به چالش کشیدن بارهای استعماری و بهره‌کشانه از اروپا بود. به همین سبب، روسیه و آمریکا را از مرکزیت اروپا جدا کردند. در این کتاب، دوباره به سبک مطالعاتی پیش از استعمار بازگشته‌ایم و بار تاریخی «اروپا به مثابه مرکز» را زنده کرده‌ایم. با این حال، اما واژه‌ی «مرکز» در این کتاب، همان بار تاریخی پیش از استعمار را ندارد؛ بلکه مجموعه‌ای از هویت‌های چندگانه‌ی منسجم است که از کنار هم قرار گرفتن «پیرامون» و روابط و مناسبات میان آن‌ها پدید آمده است. از این روی، مرکز در فرایند بی‌وقفه‌ای از داد و ستد با پیرامون قرار دارد.

دوم آنکه، واژه‌ی «پیرامون» در این مورد در معنای مثبت به کار رفته است و حامل بارهای معنایی چون «مقاومت»، «خودگردانی» و یا «زنده‌ی بیرون از مرکز» نیست. مهم‌ترین بار معنایی «پیرامون» در این کتاب، «توان اثرگذاری و بازیگری» است. بر پایه‌ی این ویژگی، مناطق پیرامون می‌توانند مرکز را تحت تاثیر قرار دهند و خط‌مشی‌های سیاسی-فضایی آن‌ها را متاثر سازند.

از کمک حوزه‌ی مطالعاتی «اروپای در حال گذار» وابسته به دانشگاه کپنهاگ^۱ در تامین هزینه‌های نویسنده در همایش دسامبر ۲۰۰۶ سپاس‌گزاری می‌کنم که بدون آن، امکان تکمیل این طرح ممکن نبود. بخش‌هایی از این کتاب، از جمله نوشتار «ژئوپلیتیک اروپای مرکزی» پیش از این در کتابی با عنوان «بازساخت ژئوپلیتیک: [نقش] امنیت و هویت در توسعه‌ی شرق اروپا»^۲ و در سال ۲۰۰۷ به قلم مریه کیوس^۳ انتشار یافته که بازنشر آن در این کتاب با اخذ مجوز از ناشر آن، انجام پذیرفته است.

^۱- University of Copenhagen's Research Priority Area "Europe in Transition"

^۲- Geopolitics Reframed: Security and Identity in Europe's Eastern Enlargement, 2007, New York: Palgrave Macmillan.

^۳- Merje Kuus